

چنان‌که در خبرها می‌بینید، پس از آنکه «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه، علیرغم مخالفت وزیر خارگاجش، دستنور اخراج سفرای آمریکا و ۹ کشور غربی دیگر را صادر کرده، لیر ترکیه در ادامه روند نزولی خود، با کاهش ارزش ی سابقه ۱٫۶ درصدی در برابر دلار در آغاز معاملات آسیایی روز شنبه همراه شد. همین باعث شد کاربران توییتر در ترکیه با ترند کردن هشتگ «اردوغان استعفا» خواستار کناره‌گیری وی شدند. ماجرا هم از این قرار بود که رئیس‌جمهور ترکیه روز شنبه با سخنانی با اشاره به بیابنه سفرای خارجی در ترکیه برای آزادی «عثمان کاوالا» فعال سیاسی در این کشور گفت: «به وزیر خارجه دستور دادم‌ا تا این سفرا را به عنوان عنصر نامطلوب شناسایی کند و ترکیه را ترک کنند.» روز سه‌شنبه بود که وزارت خارجه ترکیه سفیران کشورهای آمریکا، فرانسه، آلمان، دانمارک، نروژ، هلند، سوئد، فنلاند، کانادا و نیوزلند را به دلیل اعتراض به بازداشت «عثمان کاوالا» احضار کرد. روز دوشنبه گذشته، این ۱۰ کشور از مقامات ترکیه درخواست کردند تا کاوالا را آزاد کنند.

**مشکلات داخلی**

البته این تنها مشکل دولت اردوغان

نیست؛ اردوغان در وضع پیچیده و بدی قرار دارد. اما اردوغان در چه وضعی قرار دارد؟ رئیس‌جمهور پرحاشیه ترکیه که تا کنون چندین‌بار با تغییر قانون خود را هر طور که بوده است در قدرت حفظ کرده است حالا روزگار بسیار سختی را می‌گذراند. از یک سو، نشانه‌هایی وجود دارند مبنی بر اینکه شاید او اصلاً برای اینکه مجدداً برای انتخابات نامزد شود بیش از حد بیمار باشد. در ماه‌های اخیر چند ویدئو منتشر شده که در آنها به نظر می‌رسد این رهبر ترکیه وضعیت جسمی خوبی ندارد. برخی از آنها واضح‌تر از بقیه هستند و آنها مجموعاً پرش‌هایی مشخص را درباره سسلات اردوغان مطرح می‌سازند. به عنوان مثال در یکی از این ویدئوها رئیس‌جمهوری ترکیه ظاهراً حین عبور از یک پلکان نیاز به کمک همسر و یک دستیارش پیدا می‌کند. در ویدئوی دیگری هم به نظر می‌رسد او به هنگام راه رفتن در محل مقبره مصطفی کمال، بنیان‌گذار ترکیه موسوم به «اتاتورک» مشکل پیدا کرده است و این پا و آن پا می‌کند و در یک ویدئوی دیگر که ماه ژوئیه گذشته توجه زیادی به خود جلب کرد، به نظر می‌رسد اردوغان در جریان یک سخنرانی تلویزیونی مناسبتی برای اعضای حزب عدالت و توسعه، بخشی از حرف‌هایش از قلم می‌اندازد و صحبتش قطع می‌شود. این ویدئو به شدت در ترکیه و شبکه‌های مجازی این کشور دست به دست و اصطلاحاً «ویرال» شد. روزنامه جمهوریّت، نزدیک به اپوزسیون در همان تاریخ در یک گزارشی نوشت که رئیس‌جمهوری ترکیه توان صحبت کردن که نداشت و مدام چشم‌هایش روی هم می‌رفت. او حتی در حین سخنرانی برای لحظاتی چرت هم زد. برای همین بحث درباره سلامت وی پیش‌آمد. در این زمینه پروفیسور «حامد

**ترکیه سال‌هاست که سودای پیوستن به اتحادیه اروپا را در سر دارد، اما سودای رئیس‌جمهور این کشور برای تشکیل یک «امپراتوری تورانی» و بازسازی «خلافت موهوم عثمانی» سیاست خارجی این کشور را به شدت مداخله‌جویانه کرده و از آن جایی که غربی‌ها سیاست‌های امپریالیستی را در انحصار خود می‌دانند! با ترکیه تنش‌های زیادی پیدا کرده‌اند، در نتیجه سودای پیوستن به اروپا چون سودای ساختن یک امپراتوری تورانی دور از ذهن می‌نماید.**

سالتیک» گفت که پیش از این هم اردوغان مریض بوده است. سالتیک بعدا بر این نکته هم تأکید کرده بود که اگر قرار باشد اردوغان برای ریاست‌جمهوری نامزد شود، باید حتما پرونده پزشکی و سلامت خود را منتشر کند. سالتیک می‌گوید که برخی از طبیبان پیش‌تر گفته بودند که بیماری اردوغان صرع است. سالتیک تصریح می‌کند که تاکنون هیچ‌کس ادعای بیماری صرع اردوغان را تکذیب نکرده است. به ادعای این پزشک، اردوغان تشخیصی زمان و مکان را در این ویدئو از دست داده است. البته یکی از همکاران سالتیک پیش‌تر گفته بود که اردوغان از بیماری «اختلال خودشیفتگی» رنج می‌برد. این در حالی است که اردوغان چندین سال پیش هم در حال عمل جراحی در ناحیه روده بزرگ داشته است و برخی می‌گویند که اردوغان سرطان داشته؛ اما وی به شدت این اخبار را تکذیب کرد و گفت: این ادعایی گستاخانه است.

از سوی دیگر در انتخابات شهری در سال پیش حزیش موسوم به عدالت و توسعه شکست سختی خورد. شکست بزرگ حزب عدالت و توسعه در انتخابات اسلامبول و واگذاری این شهر کلیدی به اپوزسیسیون پس از ۲۵ سال، اهمیتش در مقیاس ملی ترکیه داشت. با این نتیجه که پیامد فعالیت خیره‌کننده جامعه مدنی ترکیه بود، شاید بتوان گفت، دورانی تازه در حیات سیاسی این کشور شروع شد. شکست تاریخ‌ساز حزب عدالت و توسعه چرا مهم است؟ حزبی که رهبر آن، اردوغان ابایی نداشته تأکید کند که هر کس که استنبول را در دست داشته باشد ترکیه را هم به دست خواهد آورد، چنانکه خودش هم

۲۵ سال پیش عروج به قدرت در ترکیه را از شهادری همین شهر شروع کرد، حالا خودش مغلوب شده بود. در انتخابات اولیه استانبول به رغم شمارش مجدد آرا «اکرم امام‌وگلو»، نامزد اپوزسیسیون نهایتاً با ۱۲ هزار رأی پیروز شد. حزب اردوغان این پیروزی را برنتابید و است.»

## دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir

**مشکلات خارجی**

با وجود تنش‌هایی که در برخی از مراحل روابط آمریکا و ترکیه را رو به تیرگی برده، این ابطل سبب شد که امام‌وگلو که شهردار ناشناخته‌ای در بخشی از استانبول بود در مقام قربانی بیش از پیش وجهه و نفوذ پیدا کند و به عنوان قطبی در برابر حزب عدالت و توسعه کاریزمای بیشتری بیابد. ورائ این اقدام بحث‌انگیز، بازی خانقاری بود که اردوغان برای به پیروزی‌رساندن نامزد حزب عدالت و توسعه به آن وارد شد و کل اعتبار خود را مصرف آن کرد، به گونه‌ای که عملاً این درک محظ استانبول برای رئیس‌جمهور ترکیه به مسئله مرگ و زندگی سیاسی بدل شده. و به تبع آن حالا ناکستی که عاید حزب عدالت و توسعه شده، به راحتی به شکست تاریخی اردوغان تعبیر می‌شود. با پیروزی نامزد اپوزسییون، استانبول که خزانه یا صندوق حزب عدالت و توسعه نامیده می‌شد از دست این حزب بیرون آمد. سهم بالای استانبول در اقتصاد ترکیه و نیز حجم بالای معاملات ملکی و مستغلاتی که بعضاً با پروژه‌های بزرگ در این شهر مرتبطاند، عمدتاً در این سال‌ها به اراده و خواست حزب عدالت و توسعه رقم خورده و قانون چنان تفسیر و تعبیر و تغییر یافته که واگذاری قراردادهای ساخت و ساز تقریباً بدون مناقصه انجام می‌شده است. از این رهگذر بخشی از محافل اقتصادی نزدیک به حزب عدالت و توسعه از سرمایه‌گذار و صاحبان بنگاه‌های معاملاتی تا شرکت‌های ساختمانی و تأسیساتی به مال و اموال بسیاری رسیده‌اند، آن هم در حالی که مالیات در این شهر چندان پایین نیست. فساد ناشی از این شرایط به علاوه محو نسبی امتیازاتی که رونق در رشته ساخت و ساز و تأسیسات شهری، رقم زده بودند همه و همه در کیم‌فروغ‌شدن ستاره اقبال حزب عدالت و توسعه در شهرداری این شهر و در کل ترکیه بی‌تأثیر نبوده‌اند.

از سویی هم، تورم ۲۰ درصدی جذابیت کل اقتصاد ترکیه را برای سرمایه خارجی بسا تردید رویه‌رو کرده است. چالش‌ها و

برای اقتصاد ترکیه که به تازگی یک مرحله از مشکلات اقتصادی را پشت سر گذاشته‌است، در بر داشته باشد. از برجسته‌ترین نمودهای آن می‌توان به کاهش ارزش پول ملی این کشور اشاره کرد که حدود ۲۰ درصد نسبت به سال گذشته ارزش خود را از دست داده است. این دو پرورنده تنها موارد اختلاف میان واشنگتن و آنکارا نیستند. پرونده‌های دیگری نیز وجود دارند که سیاست ترکیه در قبال کردهای شمال سوریه و تحریکات آنکارا در آبه‌های شرقی مدیترانه و نقش آنکارا در لیبی و جنوب قفقاز از جمله آنهاست. در هر یک از این پرونده‌ها رویکردهای متفاوتی بین ایالات متحده و ترکیه وجود دارد. برای نمونه در سوریه، ترکیه «نیروهای دموکراتیک سوریه را تهدید اساسی» برای خود می‌پندارد. این

بازی‌های سیاسی اروپا با اهمر عضویت در اتحادیه است تا ترکیه را در میدان مذاکرات سیاسی مجبور به امتیازدهی بیشتر کند، اما اثبات این موضوع، نفی خودسری‌های داخلی و خارجی دولت اردوغان را نمی‌کند. این دولت در داخل به بهانه کودتای نافرجام ۵ سال پیش در حال پاکسازی مستمر هر مخالف مؤثر خود است و در خارج از مرزهایش نیز بدون توجه به حدود و ثغور مرزهایش مشغول پیگیری «امپراتوری تورانی» در قفقاز جنوبی و… است و با دخالت در امور داخلی کشورهای مختلف، مشغول شعله‌ور کردن تنش‌های منطقه‌ای است، در جهل به این حقیقت که راهی که می‌رود راه تباهی است، حال چه در اتحادیه اروپا به روی ترکیه نشوده شود، چه نشود. ترکیه سال‌هاست که سودای



# روزگار عسرت اردوغان

امین الاسلام شهرانی

پیوستن به اتحادیه اروپا را در سر دارد، اما سودای رئیس‌جمهور این کشور برای تشکیل یک «امپراتوری تورانی» و بازسازی «خلافت موهوم عثمانی» سیاست خارجی این کشور را به شدت مداخله‌جویانه کرده و از آن جایی که غربی‌ها سیاست‌های امپریالیستی را در انحصار خود می‌دانند با ترکیه تنش‌های زیادی پیدا کرده‌اند، در نتیجه سودای پیوستن به اروپا چون سودای ساختن یک امپراتوری تورانی دور از ذهن می‌نماید. البته بگذریم از اینکه رویکردهای نژادپرستانه اروپایی‌ها که همواره مشهود است، پیوستن به اتحادیه اروپا را از قبل دشوار کرده بود.

ترکیه کشوری است که پارادایم‌های سیاست خارجی آن بدون توجه به نوع حکومت و ایدئولوژی آن برای مصرف داخلی و خارجی، برای قرن‌ها ثابت مانده است. این پارادایم‌ها همچنین در دکترین‌های مختلف این کشور نیز که دارای ابعاد میان مدت می‌باشند، به طور ثابت لحاظ شده است. این عثمانیسم یا دکتربن به روز شده آن، یعنی نتو عثمانیسم است؛ این پان ترکیسم یا نسخه ترکی اوراسیاگرایی می‌باشد که همگرا بر اساس فقط بر اساس منشأ ترک تباری امکان‌پذیر می‌داند. این یک ایدئولوژی خاص ترکی است که ترکیه را به عنوان تنها مرکز جهان اسلام در برهه ۱۳۸۴) آغاز شد و پیش‌بینی می‌شد مهر عضویت کامل ترکیه یک دوره ۱۰ ساله به طول بینجامد، اما اکنون پس از ۱۶ سال از شروع مذاکرات و ۲۴ سال از درخواست رسمی ترکیه، همچنان عضو اتحادیه بودن آرزوی دور و درازی برای ترکیه می‌نماید. در بیاتیه روز سه‌شنبه کمیسیون اروپا آمده که در دوران دولت رجب طیب اردوغان دموکراسی و قانون‌مداری به صورت مداوم تحلیل رفته و توصیه‌های سال گذشته اتحادیه اروپا نادیده گرفته شده است. در این گزارش قید شده که گرچه اردوغان در بهار گذشته و همزمان با تلاش طرفین برای بهبود روابط بر عضویت

اردوغان در باکو بیان کرد باید به عنوان به چالش کشیدن ایران، روسیه، چین و بسیاری دیگر از کشورهای تلقی شود که سیاست آنها با اهداف و برنامه‌های آمریکا و انگلیس در معایرت قرار دارد. رژه باکو یک نکته را به صراحت برجسته کرد و آنکه آذربایجان سرنانجام انتخاب خود را به نفع ترکیه انجام و به طور غیرقابل برگشتی حاکمیت خود را از دست داد. ترکیه در حال تبدیل شدن به یک فاکتور واقعی در سیاست مربوط به قفقاز جنوبی است و متوقف کردن جنگ گسترده در «قره باغ» فقط یک مکت و توقف موقت است. با توجه به حضور پایگاه‌های نظامی ترکیه در قطر این نکته به وضوح به نظر می‌رسد که اردوغان به طور سیستماتیک به دنبال محاصره ایران بوده و از این طریق می‌خواهد البته در میان نخبگان آسیای مرکزی جناح‌های پان ترکیست وجود دارد که احتمالاً از مواضع همبستگی با اتحاد سیاسی و نظامی حمایت کنند. اما این همبستگی گروهی به هیچ وجه به معنای آمادگی برای چنین یک همگرایی‌ای در سطح رهبری قزاقستان یا ازبکستان نمی‌باشد، به ویژه اینکه منطقه به اندازه کافی مواجه مشکلات و تناقضات داخلی است. بنابر تعریفی که ترکیه از مقوله «وحدت ترکی» دارد، باید آن مبتنی بر رهبری آنکارا باشد. این در حالی است که در داخل خود منطقه رقابت برای رهبری بین «تاشکند» و «نورسلطان» آغاز شده و پا پیش گذاشتن مدعی بیرونی برای چنین یک نقشی بعید است، برتابیده شدوت. در حال حاضر منافع منطقه‌ای بیشتر بر مبنای پروژه‌های مورد حمایت مالی چین یا پیشنهادات روسیه در حوزه‌های اقتصادی تأمین می‌شود. پیروی از هر گونه ماجراجویی‌های مربوط به سناریوهای سیاسی یا حتی نظامی - سیاسی پیشنهادی از سوی آنکارا، بدون تردید کشورهای منطقه را در تعارض مستقیم با منافع روسیه و چین قرار خواهد داد که البته باید نخبگان حاکم آنان اقبال واقعیت را به خوبی درک کنند.

بن‌بست سیاسی اردوغان و ائتلاف جمهوری، مربوط به شعارهای بقا و سیاست امنیتی است که به ایدئولوژی رسمی ائتلاف تبدیل شده و ادعا می‌کند که بقای کشور و ملت، در گرو پیروزی مداوم این ائتلاف است؛ شاید بتوان از شعارهای بقا و سیاست امنیتی سازی جامعه، ظرف مدت کوتاهی برای پایان دادن به یک بحران گذرا استفاده کرد، اما نمی‌توان از طریق این ابزارها به صلح اجتماعی، توسعه پایدار، سیاست فراگیر و ایجاد نظم دموکراتیک و مرفه رسید. ائتلاف جمهور و سیاست‌های امنیت محور، کدهای سیاست ترکیه و حزب عدالت و توسعه را تغییر داده است. گفتمان غیرنظامی و نهاد مدنی و سیاست دموکراتیک، جای خود را به گفتمان دولت اقتدارگرا و نظامی واگذار کرد. ترکیه پس از آن همه تحولات دموکراتیک که تحت حکومت حزب عدالت و توسعه انجام شد، به تنش‌ها و لفاظی‌ها و شیوه‌های دهه ۱۹۹۰ بازگشت.در حالی که این وضعیت منجر به شکاف‌ها و گسست‌های درون حزب عدالت و توسعه شد، گسست بسیاری از بخش‌های اجتماعی را به دنبال آورد که در دوره‌های گذشته از اردوغان حمایت کرده بود. مثال روشن، دور شدن بخش مهمی از محافظه‌کاران از حزب عدالت و توسعه و همچنین فاصله گرفتن کردها از اردوغان است.

اردوغان، با انجام محاسبات غلط و اتخاذ تصمیمات خطا، توانایی تولید سیاست جایگزین را از دست داد. کادراه صاحب فکری که مولد سیاست بودند، کنار گذاشته شدند، به نهادهای مشورتی و نظارتی بی‌اعتنایی شد و میل به قدرت و تحلیلات سیاسی، تبدیل به اولویت نخست شد. واقعاً تغییر سیستم سیاسی- اجرایی کشور، یک امر ضروری نبود. آن‌هم در شرایطی که هیچ توجیه منطقی برای

**اوضاع دولت اردوغان در داخل هم دچار مشکل است. انتخابات شهری دو سال پیش حزب اردوغان موسوم به عدالت و توسعه شکست سختی خورد. شکست بزرگ حزب عدالت و توسعه در انتخابات اسلامبول و واگذاری این شهر کلیدی به اپوزسییون پس از ۲۵ سال، اهمیتی در مقیاس ملی ترکیه داشت. با این نتیجه که پیامد فعالیت خیره‌کننده جامعه مدنی ترکیه بود، شاید بتوان گفت، دورانی تازه در حیات سیاسی این کشور شروع شد. شکست تاریخی حزب عدالت و توسعه چرا مهم است؟ حزبی که رهبر آن، اردوغان ابایی نداشته تأکید کند که هر کس که استانبول را در دست داشته باشد ترکیه را هم به دست خواهد آورد، چنان‌که خودش هم ۲۵ سال پیش عروج به قدرت در ترکیه را از شهرداری همین شهر شروع کرد، حالا خودش مغلوب شده بود.**

سیاست خارجی اردوغان بسیار بعید است که بتواند این شرایط را به طور اساسی تغییر دهد. باید به این نکته‌اشاره کرد که «واشنگتن» و «لندن» به طور مستقیم یا غیرمستقیم از تمام تلاش‌های توسعه‌طلبانه اردوغان در آذربایجان، یونان، لیبی، در مسئله مالیکت «کریمه» و «قره باغ» حمایت می‌کنند. به عنوان مثال برای تحقق اهداف ژئوپلیتیک غرب در رابطه با روسیه، به اصطلاح «پلتفرم کریمه» ایجاد شد تا زمینه برای بین‌المللی‌سازی «فضیه کریمه» و اعمال فشار به روسیه فراهم شود. ضمن ی تفاوتی آمریکا و انگلیس حتی ترکیه با هم بیامان ناتوی خود نیز نظیر یونان و فرانسه به مخالفت می‌برازد. در مورد پروژه اردوغان تحت عنوان «نوران بزرگ» که شامل تمام سرزمین‌های دارای جمعیت ترک‌تبار می‌باشد، علاوه بر کشورهای جداگانه همچنین پوشش مناطق روسیه مانند حقوق اساسی و استقلال قوه قضائیه مورد پان ترکیستی فقط به عنوان مجری بوده می‌باشند. حضور اردوغان در رژه نظامی در «باکو» در واقع اعلان یک نقشه ژئوپلیتیک خاص است که اهداف گسترده و به نظر زمانی بلندمدتی را در درون مفاهیم حقوق سروسای امنیتی ترکیه صورت گرفت،



القا و به لحاظ ایدئولوژیکی توسعه‌طلبی‌های «آنکارا» در کشورهای فاقد جمعیت ترک‌تبار را نیز توجیه می‌کند. نکته اصلی در این ترند ایدئولوژیک، پان ترکیسم می‌باشد و جای دارد از این نکته یادآوری شود که پان ترکیسم به عنوان یک دکترین ایدئولوژیک در انگلیس ساخته شده و خود ترکیه در پروژه‌های مورد و خامت مداوم دموکراسی، قانون‌مداری، حقوق اساسی و استقلال قوه قضائیه مورد رسیدگی قرار نگرفته است. سیر قهقرایی در بسیاری از حوزه‌ها نیز ادامه داشته و در چنین شرایطی مذاکرات عضویت ترکیه متوقف شده است. «گفتنی است، قطعاً نمی‌توان این بیابیه اتحادیه اروپا را در درون مفاهیم حقوق بشری تفسیر کرد؛ چرا که این بیابیه در ادامه

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۰

۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ - شماره ۲۲۸۷۴